

دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان از منظر فقه و حقوق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۵

محمد رضا رضوان طلب^۱*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷

سعید سبویی جهرمی^۲

رضا پورصدقی^۳

چکیده

در گذشته، انسان‌ها برای جابه‌جایی از حیوانات استفاده می‌کردند؛ با این حال در منابع روایی، سوار شدن زنان بر زین مورد نکوهش قرار گرفته است. با توجه به اینکه امروزه دوچرخه‌سواری و موتورسواری در میان بانوان رواج پیدا کرده و تحقیق مستقلی در راستای تبیین مبانی فقهی این موضوع نگاشته نشده است، بررسی مدلول روایات یادشده و امکان تعمیم آن به دوچرخه‌سواری و موتورسواری ضروری می‌نماید. در این نوشته که با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفت، از جهت فقهی این نتیجه به دست آمد که حکم اولی سوارکاری بانوان کراهت است، اما به دلیل عدم احراز اتحاد موضوع، قابل تعمیم به دوچرخه‌سواری و موتورسواری نیست. از جهت حقوقی نیز، این نتیجه حاصل شد که در جمهوری اسلامی، قانون خاصی مبنی بر ممنوعیت سوارکاری بانوان وجود ندارد و تنها به جهت عدم صدور گواهینامه برای موتورسواری بانوان و نیز در موارد خاصی که دوچرخه‌سواری و موتورسواری آنها منافی عفت عمومی تلقی شود، این اعمال جرم محسوب می‌گردد و نمی‌توان به طور مطلق آن را خلاف قانون دانست.

کلیدواژه‌ها

سوارکاری بانوان، دوچرخه‌سواری بانوان، موتورسواری بانوان، زین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

mrrezvan@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول) دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.

sabouei.saeed@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.

rezapoorsedghi@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

مقدمه

در گذشته جابه‌جایی افراد در مسیرهای مختلف، به‌ویژه در مسافت‌های طولانی، با حیواناتی چون شتر، اسب، قاطر و الاغ صورت می‌گرفت. علاوه بر این، سوارکاری به‌عنوان یک تفریح و ورزش مورد استقبال عموم قرار گرفته بود. این پدیده قبل و بعد از ظهور اسلام در شبه‌جزیره عرب رواج داشت؛ به‌گونه‌ای که اسب‌سواری به‌عنوان تفریحی سالم و نیز به‌منظور تقویت بنیه نظامی مسلمانان مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گرفت تا جایی که شرط‌بندی در مسابقات سوارکاری مجاز دانسته شد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۸، ص ۲۱۲). با این حال، در روایات متعددی، نشستن زنان بر زین نکوهش شده و امری ناپسند تلقی گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۵-۵۸۸).

با توجه به اینکه امروزه سوار شدن بانوان بر وسایلی چون دوچرخه و موتور رواج یافته، هدف از نگارش این پژوهش این است که حکم فقهی سوارکاری بانوان و امکان تعمیم آن به دوچرخه و موتور کشف و جنبه حقوقی آن نیز بررسی شود. در این نوشته، پس از شرح واژگان مورد نیاز و بیان دیدگاه فقیهان، به واکاوی حکم فقهی اولی سوارکاری پرداخته می‌شود، در ادامه، عناوین ثانوی عارض بر سوارکاری که می‌تواند حکم اولی آن را تغییر دهد، ارزیابی می‌گردد و در نهایت، با استناد به قوانین جمهوری اسلامی ایران، این موضوع از منظر حقوقی بررسی خواهد شد. بنابراین سؤالات این پژوهش به شرح زیر خواهد بود.

سؤالات پژوهش

۱. از جهت فقهی، حکم اولی سوارکاری بانوان چیست؟
۲. عناوین ثانویه‌ای که موجب حرمت سوارکاری می‌شود، کدام است؟
۳. با چه استدلالی می‌توان حکم سوارکاری بانوان را به وسایلی چون دوچرخه و موتور تعمیم داد؟
۴. سوارکاری (حیوان، دوچرخه و موتور) بانوان چه احکامی در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

پیشینه

با وجود کثرت ابتلای به این مسئله، تا کنون پژوهش‌های درخوری در این زمینه ارائه نشده است. بنابراین برای روشن شدن حکم فقهی این عمل و بسترسازی برای قانون‌گذاری صحیح در این زمینه، بررسی مبانی فقهی و زوایای حقوقی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

نوآوری

تحقیق حاضر که برای نخستین بار به شکل استدلالی به بررسی فقهی و حقوقی سوارکاری بانوان پرداخته، مشتمل بر نوآوری‌های زیر است:

۱. بررسی سندی و دلالتی روایات مرتبط با سوارکاری بانوان و حل تعارض میان آنها.
۲. بررسی تحلیلی امکان تعمیم حکم سوارکاری بر حیوان به سوار شدن وسایل نقلیه جدید.
۳. امکان‌سنجی تطبیق عناوین ثانویه تحریم‌کننده بر سوارکاری بانوان.
۴. تحلیل مواد قانونی مرتبط با سوار شدن بانوان بر وسایل نقلیه.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. سوارکاری

به راندن و سواری گرفتن و هدایت اسب در مسابقات گفته می‌شود و رشته‌هایی مانند خرامش و پرش با اسب و کالسکه‌رانی را شامل می‌گردد. این ورزش تحت مقررات فدراسیون بین‌المللی سوارکاری (اف‌ای‌آی) بوده و از جمله ورزش‌های المپیک محسوب می‌شود و رشته‌های گوناگونی دارد (رامین و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۹۳). طبق تعریف مذکور سوارکاری تنها بر ورزش اسب‌سواری اطلاق می‌شود، اما در این پژوهش، معنای آن از دو جهت اعم است: اول اینکه اختصاصی به اسب‌سواری ندارد و شامل سوار شدن بر شتر، قاطر و الاغ نیز می‌شود؛ دوم اینکه اختصاصی به مسابقات ندارد و سوارکاری خارج از مسابقه را نیز فرامی‌گیرد.

۲. دوچرخه

در برخی کتب لغوی، دوچرخه چنین تعریف شده است: «وسیله نقلیه دارای دو چرخ لاستیکی که به وسیله دو رکاب بر اثر فشار پاها به حرکت درآید» (دهخدا، ۱۳۵۱، ج ۲۱، ص ۳۲۵). برخی نیز آن را چنین تبیین کرده‌اند: «دستگاهی از وسایل نقلیه که با چرخ‌های

دنده‌دار به وسیله گردش زنجیری به حرکت آید» (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۱۵). در مباحث آتی، مراد از دوچرخه تنها به وسیله‌ای که دارای دو چرخ است، اطلاق نمی‌شود؛ بلکه به وسیله‌ای گفته می‌شود که با رکاب زدن و نیروی پا به حرکت در می‌آید، هرچند دارای سه چرخ یا بیشتر باشد؛ چنان‌که همین معنا از تعریف لغوی دوم برداشت می‌شود.

۳. موتور یا موتورسیکلت

در تعریف آن گفته شده: «دوچرخه‌ای است که با قوه موتور حرکت می‌کند» (عمید، ۱۳۶۹، ص ۱۱۰۲). برخی نیز گفته‌اند: «دوچرخه‌ای است که به وسیله موتوری کوچک حرکت کند» (معین، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۰۲۱). طبق این تعاریف، موتورسیکلت دارای دو چرخ است؛ اما در ماده ۹۲ از فصل اول آیین‌نامه قوانین راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴، در تعریف موتورسیکلت آمده است: «وسیله نقلیه‌ای برای حمل انسان که دارای دو یا سه چرخ با اتاق پهلوی (ساید کار) یا بدون آن و مجهز به یک موتور محرکه باشد». با توجه به این تعریف، وسایل نقلیه موتوری دارای سه چرخ نیز مشمول قوانین موتورسیکلت خواهند بود.

۱. دیدگاه فقیهان

فقیهان متقدم نه در کتب استدلالی خود و نه در کتب فتوایی، به حکم سوارکاری بانوان اشاره‌ای نکرده‌اند؛ اما متأخران در پاسخ به استفتائات، بدون بیان استدلال و گاهی با اشاره گذرا به ادله و آثار آن، نظرات خود را در این زمینه مطرح کرده‌اند که می‌توان مجموع آرای ایشان را در دو دیدگاه زیر خلاصه کرد.

دیدگاه اول: جواز فی نفسه و حرمت در منظر عموم: غالب فقیهان قائل به این نظریه هستند و در توجیه حکم به حرمت، به ادله‌ای چون جلب توجه نامحرم، منافات داشتن با عفت و حیا، زمینه‌سازی گسترش گناه در جامعه و تهییج شهوت اشاره کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۷-۴۹۶؛ سیستانی، بی تا، ج ۴، ص ۵۱؛ سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۵۲۶؛ صافی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۵؛ روحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۴).

دیدگاه دوم: جواز مطلق حتی در منظر عموم به شرط اینکه حرام و مفسده به دنبال نداشته باشد (منتظری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۳۹).

فرق فتوای اول و دوم این است که طبق فتوای اول، اگر موتورسواری و دوچرخه‌سواری در معابر عمومی باشد، تحقق عناوین ثانوی مانند جلب توجه نامحرم و منافات با عفت و حیا که موجب حرمت عمل می‌شود، مسلم فرض شده است؛ اما مطابق با فتوای دوم، تحقق عناوین مذکور قطعی نیست و در موارد مختلف، تفاوت دارد.

۲. بررسی حکم اولی

برای دستیابی به حکم فقهی سوارکاری بانوان، باید از دو جهت به بررسی این موضوع پرداخت: جهت اول، حکم اولی آن است؛ یعنی بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی مانند منافات با عفت و حیا بودن، جلب توجه نامحرم کردن و ... حکم آن واکاوی شود؛ چرا که این عناوین با ذات سوارکاری همراه نیستند؛ بلکه در شرایطی خاص، ممکن است پدید آیند؛ مثلاً اگر بانویی در مکانی خصوصی و بدون حضور نامحرم دوچرخه‌سواری کند، عنوان جلب توجه نامحرم شامل فعل او نمی‌شود. بنابراین ابتدا حکم سوارکاری از جهت اولی بررسی و سپس عناوین ثانوی مرتبط با آن ارزیابی می‌شود.

عمده دلیلی که در کشف حکم اولی سوارکاری بانوان می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، آیات و روایات است که سوارکاری بانوان را بدون در نظر داشتن عناوین دیگر توصیف می‌کند. این ادله را در یک دسته‌بندی کلی، به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: ادله ناهیه که سوارکاری بانوان را نکوهش می‌کند و ادله مجوزه که دال بر جواز این عمل است.

۱-۲. ادله ناهیه

ادله ناهیه که روایات باشد، در ابواب پراکنده‌ای از کتب روایی مانند «باب تأدیب النساء» و «باب آلات الدواب» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۶؛ همو، ج ۶، ص ۵۴۱) از کتاب الکافی آمده است که خود به چند دسته مختلف تقسیم می‌شود و به علت گوناگونی تعبیر باید به‌طور جداگانه بررسی شود.

دسته اول: روایات مشتمل بر ماده «نهی» یا صیغه نهی

شیخ کلینی با سند صحیح از امام صادق^(ع) نقل می‌کند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُرَكَبَ سَرَجٌ بِفَرْجٍ»؛ رسول خدا^(ص) از سوار شدن فرج بر زین نهی کرد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۶). در

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُرَكَبَ سَرَجٌ بِفَرْجٍ.

روایت دیگری با سند ضعیف از امیرالمؤمنین نقل شده است: «**لا تحملوا الفروج علی السروج فتهیجوهن للفجور**»: زنان را بر زین‌ها حمل نکنید که موجب تهییج آنها به گناهان می‌شود (همان‌جا). در روایت اول، ماده «نهی» و در روایت دوم، صیغه آن به کار رفته است.

برای درک مدلول این دو حدیث، واژگان زیر تبیین خواهند شد:

۱. «نهی»: در این روایات، نسبت به سوار شدن زنان بر زین، از ماده «نهی» و صیغه آن استفاده شده است و ماده «نهی» همانند صیغه آن ظهور در حرمت دارد. بنابراین اگر قرینه‌ای بر حمل آن بر کراحت نباشد، از این روایات، حرمت نشستن زنان بر زین استفاده می‌شود؛ اما چنان‌که در بخش جمع بین روایات خواهد آمد، ادله‌ای که صراحت در جواز دارند، می‌تواند قرینه حمل بر کراحت باشد.

۲. «السروج»: به زینی گفته می‌شود که بر اسب (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۱) یا قاطر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۲) قرار می‌گیرد و گاهی نیز بر زین الاغ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۱) اطلاق می‌شود؛ چنان‌که به زینی که بر شتر قرار می‌گیرد، «رحل» اطلاق می‌گردد (ابن اثیر جرجزی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۹).

۳. «فرج»: در اصل لغت به معنای شکاف بین دو چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۹۸) و به صورت کنایی، به عورتین (قُبُل و دُبُر) مرد و زن و حیوانات گفته می‌شود و این استعمال کنایی به حدی زیاد بوده که همانند لفظ صریح در این معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۸). با این حال در عرف، بیشتر بر قُبُل اطلاق می‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۵۲). با توجه به معنای لغوی و با صرف نظر از روایات دیگر، نمی‌توان اثبات کرد که در این روایت، نهی اختصاص به سوارکاری زنان دارد؛ چون فرج اعم از آلت تناسلی زن و مرد است؛ اما با توجه به اینکه در روایات دیگری که خواهد آمد، تصریح به رکوب زنان شده است، اطلاق این روایت مقید به رکوب زنان می‌شود. به همین دلیل، شیخ صدوق در توضیح این روایت فرموده که منظور از این روایت نهی از سوار شدن زنان بر زین است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۸).

دسته دوم: روایات مشتمل بر عبارت «لایجوز»

شیخ صدوق در *الخصال* روایتی از امام باقر^(ع) نقل می‌کند که در آن، ۷۳ مورد از احکام ویژه بانوان بیان شده است. در یکی از این فقرات آمده است: «برای زن سوار شدن بر زین جایز نیست، مگر در حال ضرورت یا در سفر»^۱ (همو، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۵-۵۸۸).

هرچند در این روایت، سوار شدن زنان بر زین به جز در موارد ضروری و سفر جایز دانسته نشده، عبارت «لایجوز» در موارد متعددی از این روایت برای کارهای مکروه استفاده شده است و صراحتی در حرمت ندارد. برای مثال، در روایت مذکور، فعل «لایجوز» به کارهایی چون ترک غسل جمعه، حضور حائض و جنب در هنگام تلقین میت و نشستن در جایی که به دلیل نشستن نامحرم گرم شده، نسبت داده شده است، در حالی که این اعمال جزء مکروهات هستند. بنابراین نسبت به سوار شدن بر زین نیز نمی‌توان حکم به حرمت کرد؛ بلکه باید به قدر متیقن عدم جواز که کراهت است؛ اکتفا کرد. علاوه بر این، سند حدیث نیز ضعیف است؛ چون سه نفر از زنجیره راویان آن، یعنی حسن بن علی عسکری، جعفر بن محمد اشعری، محمد بن عماره، توثیقی ندارند.

دسته سوم: روایات بیان‌کننده علائم آخرالزمان یا علائم ظهور

شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین*، روایتی از امام باقر^(ع) نقل می‌کند که در آن، یکی از نشانه‌های قبل از ظهور سوار شدن زنان بر زین دانسته شده است^۲ (همو، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۱). در برخی روایات دیگر نیز، این پدیده به‌عنوان یکی از علائم آخرالزمان معرفی شده

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (ع) يَقُولُ: لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ... وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ رُكُوبُ السَّرْجِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ أَوْ فِي سَفَرٍ...

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَصَّامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدِ الْحَنَاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (ع) يَقُولُ: الْقَائِمُ مِمَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ... قُلْتُ: يَا أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ: إِذَا... رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ...

است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۳؛ کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۴۱).

سند روایت صدوق به دلیل وجود دو راوی مهمل به نام‌های محمد بن محمد بن عصام و اسماعیل بن علی قزوینی ضعیف است؛ اما با صرف نظر از اشکال سندی، در تبیین مدلول این روایت می‌توان ادعا کرد که از این روایات فی‌الجمله مبغوضیت نشستن زنان بر زین قابل برداشت است، اما دلالتی بر حرمت ندارد؛ بلکه با توجه به اینکه در سیاق این روایت اعمال مکروهی چون تشبه مردان به زنان وجود دارد، نمی‌توان بر سوارکاری زنان حکم حرمت را بار کرد.

برخی از اندیشمندان در تبیین این فقره از روایت، نشستن زنان بر زین را کنایه از حضور آنها در میدان جنگ دانسته‌اند و تصریح کرده‌اند که از این روایت، نمی‌توان مرجوحیتی برای سوارکاری بانوان استفاده کرد و روایت را چنین معنا کرده‌اند که در آخرالزمان، زنان همانند مردان در میدان جنگ حاضر می‌شوند. در پاسخ به این ادعا می‌توان گفت که هرچند در برخی استعمالات، بر زین نشستن یا بستن زین بر حیوان مقدمه‌ای برای حضور در میدان نبرد بوده است و در برخی عبارات نیز همین معنا اراده شده (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۷۷؛ ابن طیفور، بی‌تا، ص ۱۱۰)، این استعمال شایع نبوده و نمی‌توان بدون قرینه، این عبارت را بر معنای حضور در میدان جنگ حمل کرد. در روایت مورد بررسی نیز، قرینه‌ای بر این معنا وجود ندارد. در نتیجه باید آن را به معنایی که ظهور در آن دارد که همان نشستن بر زین است، تفسیر کرد. علاوه بر این، چنان‌که در مباحث بعد ذکر خواهد شد، در برخی روایات، دلیل نکوهش نشستن زنان بر زین را به دنبال داشتن مفاسدی چون تحریک جنسی بیان کرده است که ارتباطی با حضور در میدان جنگ ندارد؛ بلکه نفس نشستن بر زین چنین اثری را در پی خواهد داشت.

دسته چهارم: روایات دربردارنده ماده «لعن»

شیخ کلینی در روایت معتبری از امام صادق^(ع) نقل می‌کند: «زین مرکبی لعنت شده برای

زنان است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۴۱). در این روایت، لعن به خود زین نسبت داده شده، اما در حقیقت، این اسناد مجازی است و در واقع، راکب زین است که استحقاق لعن دارد؛ چنان‌که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ۱۷ سوره محمد (ص)، در روایتی که به تبیین عبارت «أشراطها» می‌پردازد و علائم آخرالزمان را توضیح می‌دهد، لعن به خود زنان راکب نسبت داده شده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۳). بنابراین معنای روایت مورد بحث نیز، این است که زنانی که بر زین می‌نشینند، مورد لعن واقع می‌شوند.

برای روشن شدن معنای این روایت، بایستی دلالت واژه لعن مشخص شود. لعن از لحاظ لغوی، به معنای طرد و دور کردن از خیر و رحمت است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۵۲؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۹۶). این معنا هم بر عناوین مکروه قابل صدق است و هم بر عناوین حرام؛ چرا که هر دو باعث دور شدن از خیر و رحمت می‌شوند؛ هرچند درجات دوری متفاوت خواهد بود. بنابراین از جهت لغوی، این واژه صراحتی در حرمت ندارد.

در استعمالات قرآنی، واژه لعن در اموری چون ظلم (اعراف، ۴۴)، فساد (رعد، ۲۵) نقض عهد (مائده، ۱۳)، اذیت رساندن به خدا و فرستاده او (احزاب، ۵۷) و قتل عمد (نساء، ۹۳) به کار رفته که همگی از مصادیق حرام هستند؛ اما در روایات در موارد بسیاری، این واژه در مکروهات نیز استعمال شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۸، ۲۹۲ و ۲۹۸؛ همو، ج ۴، ص ۱۲؛ همو، ج ۵، ص ۵۱۸؛ همو، ج ۶، ص ۵۴۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۲۲۰؛ همو، ج ۲، ص ۲۷۷؛ همو، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۱). همین امر موجب شده که عده‌ای از فقیهان ظهور لعن را در مطلق بُعد (ایروانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷۱) و تعیین کراهت یا حرمت را به وجود قرینه نیازمند بدانند. با توجه به اینکه واژه لعن در روایات در موارد متعددی بدون وجود قرینه در مکروهات به کار رفته، می‌توان ادعا کرد که حمل آن بر حرمت در موارد مشکوک، به قرینه نیاز دارد و در صورت نبود قرینه، بر قدر متیقن مبعوضیت

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: السَّرْحُ مَرْكَبٌ مَلْعُونٌ لِلنَّسَاءِ..

که کراهت است، حمل می‌شود.

خلاصه اینکه هرچند واژه لعن از جهت لغوی اعم از کراهت و حرمت است، به جهت کثرت استعمال که از مناشیء ظهور است، در استعمالات قرآنی ظهور در حرمت دارد؛ در حالی که در استعمالات روایی، تعیین معنای آن به قرینه نیازمند است. در روایت مورد بحث، قرینه‌ای بر حرمت وجود ندارد؛ اما چنان‌که خواهد آمد، روایات مجوزه که صراحت در جواز دارند، قرینه بر حمل این دسته از روایات بر کراهت خواهد بود.

دسته پنجم: روایات معرفی‌کننده عایشه به‌عنوان اولین زن مسلمان سوار بر زین

شیخ کلینی در ضمن دو روایت که به شرح ماجرای دفن امام حسن^(ع) و مداخله عایشه در آن می‌پردازد، نقل کرده است که وی اولین زنی بود که پس از ظهور اسلام بر روی زین نشست^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۲).

با توجه به اینکه محتوای این حدیث در نکوهش زنی است که بر زین قاطر سوار شد و با اهل بیت پیامبر در امر دفن امام حسن^(ع) منازعه کرد، می‌توان از این عبارت که «وی اولین زن مسلمان بود که بر زین نشست»، این برداشت را کرد که پیش از او، زنان مسلمان به دلیل قبح بر زین نشستن، از این کار امتناع می‌کردند و بدین ترتیب، مرجوحیت سوار شدن زنان بر زین را نتیجه گرفت؛ چنان‌که برخی محدثان در شرح این روایت، همین‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۶). البته این دو روایت به دلیل وجود محمد بن سلیمان بن عبدالله دیلمی که نجاشی او را تضعیف کرده است، قابل استناد نیست (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶۵).

دسته ششم: روایات مدح‌کننده زنان سوار بر رحل شتر

شیخ کلینی در باب «فضل نساء قریش» از کتاب الکافی، با سند صحیح از پیامبر اسلام^(ص)

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ الْكَلْبِيُّ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدِّيَلَمِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: ... فَخَرَجَتْ مُبَادِرَةً عَلَى بَغْلٍ بَسْرَجٍ فَكَانَتْ أَوَّلَ امْرَأَةٍ رَكَبَتْ فِي الْإِسْلَامِ سَرَجًا...

روایت می‌کند: «بهترین زنانی که بر رحل شتر سوار شدند، زنان قریش‌اند که نسبت به فرزندانشان مهربان‌ترین (مادران) و نسبت به شوهرانشان بهترین (همسران) هستند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۶).

برخی با استناد به این حدیث گفته‌اند: اینکه سوار شدن زنان بر رحل‌ها (زین شتر) مدح شده، به مذموم بودن سوار شدن ایشان بر سرج (زین اسب یا قاطر یا الاغ) اشاره دارد و در واقع، «رکبن الرحال» به معنای «لایرکبن السروج» است (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۵). این برداشت از حدیث نمی‌تواند صحیح باشد؛ به دلیل اینکه عبارت «رکبن الرحال» کنایه از رفتن به خانه شوهر و ازدواج کردن است و ارتباطی با مدح سوار شدن بر رحل شتر و ذم سوار شدن بر زین ندارد و معنای کنایی آن مورد نظر است. برای اثبات این مطلب، چند قرینه وجود دارد:

قرینه اول: در برخی از نسخ این روایت، به جای عبارت «رکبن الرحال»، عبارت «رکبن الرجال» آمده که کنایه از ازدواج کردن است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۷۶).

قرینه دوم: در روایت دیگری که کلینی در همین باب با سند صحیح نقل کرده، آمده است: «تا به حال، زنی از جهت مهربانی نسبت به فرزندان و امانت‌داری نسبت به اموال شوهران همانند زنان قریش بر شتر سوار نشده است»^۲ (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

کنایی بودن عبارت «ما ركب الابل» در این حدیث، وضوح بیشتری دارد و نمی‌توان از آن مدحی برای نشستن بر رحل شتر و ذمی برای نشستن بر زین اسب برداشت کرد؛ چون عبارت «ما ركب الابل» برخلاف عبارت «خیر نساء ركب الرحال» نقش توصیفی برای زنان صالح ندارد. با کنار هم قرار دادن قراین یادشده، این اطمینان حاصل می‌شود که از روایت مورد

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): خَيْرُ نِسَاءٍ رَكِبْنَ الرَّحَالَ نِسَاءُ قُرَيْشٍ أَحْنَاهُ عَلَى وُلْدٍ وَخَيْرُهُنَّ لِزَوْجٍ.

۲. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) قَالَ: خَطَبَ النَّبِيُّ (ص) أُمَّ هَانِيَةَ بِنْتَ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي مُصَابَةٌ فِي حَجْرِي أَيْتَامٌ وَلَا يَصْلُحُ لَكَ إِلَّا امْرَأَةٌ فَارِعَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا رَكِبَ الْإِبِلَ مِثْلُ نِسَاءِ قُرَيْشٍ أَحْنَاهُ عَلَى وُلْدٍ وَلَا أَرَعَى عَلَى زَوْجٍ فِي ذَاتِ يَدَيْهِ.

بحث، نمی‌توان برداشت کرد که سوار شدن زنان بر زین مذموم است.

۲-۲. ادلة مجوزه

برای اثبات جواز سوارکاری بانوان می‌توان به برخی آیات قرآن و روایات استناد کرد.

دلیل اول: آیات

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالنَّخِيلَ وَالْبَعَالَ وَالْحَمِيرَ لَتَرْكَبوهَا وَزِينَةً»: خداوند اسبها، قاطرها و الاغها را برای شما خلق کرد تا بر آنها سوار شوید (نحل، ۸). در این آیه، خداوند از سوئی رکوب و سوارشدن بر حیوانات را یکی از منافع حلال آنها معرفی می‌کند و از سوی دیگر، این منفعت را مختص به مردان نکرده است. در نتیجه، اطلاق این آیه دلالت بر حلیت رکوب برای زنان دارد. اما این استدلال صحیح نیست؛ چون روایات ناهیه اطلاق آیه را تقیید می‌زند.

دلیل دوم: روایات

از برخی روایاتی که در خصوص سعی بین صفا و مروه وارد شده، استفاده می‌شود که نشستن زنان بر مرکب جایز است. شیخ صدوق با سند صحیح از معاویه بن عمار نقل می‌کند که از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا زن می‌تواند سعی بین صفا و مروه را سوار بر اسب یا شتر انجام دهد؟ امام فرمود: اشکالی ندارد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۴۱ق، ج ۲، ص ۴۱۶). گرچه در این روایت، پرسش راوی از حکم سعی بین صفا و مروه در حالت سواره است و امام در پاسخ این عمل را جایز دانسته، با توجه به اینکه اگر سوار شدن زنان بر اسب یا شتر حرام بود، امام باید آن را بیان می‌کرد، از عدم اشاره امام به این موضوع، این نکته به دست می‌آید که نشستن زنان بر اسب و شتر اشکالی ندارد. قرینه‌ای که این برداشت را تقویت می‌کند، این است که راوی پس از سؤال اول خود، همین پرسش را در مورد مردان نیز تکرار می‌کند. گویا در ذهن راوی این احتمال وجود داشته که بین زن و مرد در این حکم

۱. رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ عَلَى دَابَّةٍ أَوْ عَلَى بَعِيرٍ قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَفْعَلُ ذَلِكَ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ وَالْمُسْتَبِيحُ أَفْضَلُ.

تفاوتی باشد، اما امام به هر دو سؤال، پاسخی یکسان می‌دهد. نکته دیگر این است که در سؤال راوی، هم از نشستن زنان بر اسب سؤال شده و هم از نشستن آنها بر شتر و پاسخ مطلق امام به هر دو صورت، این احتمال را که نشستن بر اسب مذموم و نشستن بر شتر بدون اشکال است، رد می‌کند. بنابراین این روایت جواز نشستن زنان بر اسب و شتر را ثابت می‌کند.

۲-۳. جمع‌بندی ادله

در بررسی روایات ناهیه روشن شد که فقط دسته اول و دسته چهارم از جهت سندی دارای اعتبار هستند و چهار دسته دیگر ضعف سندی دارند و قابل استناد نیستند. روایات معتبر دسته اول مشتمل بر ماده نهی بود و ظهور در حرمت نشستن زنان بر زین داشت. روایات دسته چهارم نیز با توجه به اینکه ماده لعن بر مبعوضیت مطلق، اعم از کراهت و حرمت، دلالت دارد، برای تعیین معنا نیاز به قرینه داشت. از آنجا که روایات مجوزه صراحت در جواز دارد، بر ظهور روایات مانعه ترجیح دارد و حکم به جواز می‌شود و نهی و لعن موجود در روایات مانعه بر کراهت حمل می‌شود؛ چرا که کراهت با جواز سازگاری دارد. بدین ترتیب، بین روایات مانعه و مجوزه جمع عرفی صورت می‌گیرد.

۲-۴. امکان تعمیم حکم اسب‌سواری به دوچرخه و موتورسواری

آنچه تا کنون به دست آمد، حکم اولی سوارکاری بانوان بود. مطلبی که در این بخش دنبال می‌شود، یافتن حکم دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان است. به عبارت دیگر، باید بررسی شود آیا حکم سوارکاری بر حیوان، به مصادیق جدید شبیه آن، مانند دوچرخه و موتور نیز، قابل تعمیم است یا اینکه این دو موضوعاتی متفاوت‌اند و حکمی جداگانه دارند؟ اگر نتوان اتحاد موضوع را در این مسئله اثبات کرد، از آنجا که دلیل خاصی بر حکم اولی دوچرخه و موتورسواری وجود ندارد، با تمسک به اصل براءت، حکم به جواز آن می‌شود؛ اما اگر اتحاد موضوع ثابت شود، حکم کراهت بر سوار شدن این وسایل نقلیه جدید نیز بار خواهد شد.

برخی از فقیهان معاصر به یکسان بودن حکم سوارکاری بر حیوان و سوار شدن بر دوچرخه و موتور قائل شده‌اند (روحانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹)، اما برای روشن شدن این مسئله، باید در شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها تأمل جدی‌تری شود. این دو موضوع از این جهت که برای استفاده باید بر آنها سوار شد، شباهت دارند و حالت قرار گرفتن شخص سوارکار بر حیوان تا حدود زیادی شبیه به حالت شخصی است که بر دوچرخه یا موتور سوار می‌شود. تفاوت‌های این دو را می‌توان از دو جهت دانست: یکی میزان حرکت بدن و دیگری شکل زین و محل نشستن. در سوارکاری بر حیوان، به دلیل نوع حرکت خاص حیوان، بدن سوارکار نیز حرکت بیشتری دارد؛ در حالی که در دوچرخه، هرچند پاهای رکاب‌زن پیوسته در حال حرکت است، بدن او حرکت کمتری دارد. در موتورسواری حرکت بدن به مراتب از دوچرخه‌سواری کمتر است و موتورسوار سکون بیشتری در حال رانندگی دارد. از سوی دیگر، زین حیواناتی چون اسب و شتر با زین دوچرخه و موتور متفاوت است. زین موتورها اشکال متفاوتی دارد و در مواردی به صورت قوسی شکل و در مواردی به شکل صاف و تخت است؛ اما زین دوچرخه غالباً دارای سطحی صاف و زین اسب‌ها قوسی شکل است.

گفتن این نکات از این جهت ضروری است که در روایات ذکر شده، ذم و نکوهش بر زین‌سواری بانوان است نه اصل سوار شدن بر این حیوان و در میان زین‌ها نیز، تنها زین‌هایی که بر روی اسب و قاطر و الاغ استفاده می‌شده (سرج)، مورد نکوهش واقع شده و در هیچ روایتی، ذمی نسبت به زین‌های شتر (رحل) وارد نشده است. با دقت در این مطالب، روشن می‌شود که خود سرج (زین اسب) خصوصیتی داشته است که سوار شدن بر آن برای بانوان ناپسند تلقی شده است. مؤید این مدعا برخی روایات است که دلیل نهی از این عمل را تهییج شدن زنان به گناه بیان کرده است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۶). یکی از مصادیق تهییج

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْرَائِيلَ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوحَ عَلَى السُّرُوحِ فَتَهَيِّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ.

یادشده، می‌تواند تحریک جنسی ناشی از برخورد و اصطکاک بدن زن با زین‌ها باشد (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۳۷۶). با این توضیح، مشخص می‌شود که نمی‌توان حکم سوارکاری بر زین حیوان را بر دوچرخه‌سواری و موتورسواری تعمیم داد؛ چرا که شکل زین و نحوه برخورد بدن در این دو وسیله با زین‌های حیوانات متفاوت است و حالت محرکی که آن زین‌ها می‌تواند ایجاد کند، در این وسایل وجود ندارد. در نتیجه دو موضوع متفاوت وجود دارد و طبعاً حکم یکی قابل تسری به دیگری نیست.

ممکن است این اشکال مطرح شود که سند روایتی که دلیل نهی از این عمل را تهییج به گناه می‌داند، ضعیف است و نمی‌توان به آن استناد کرد. در پاسخ باید اشاره کرد که برای اینکه حکمی از موضوعی به موضوع دیگر سرایت داده شود، لازم است اتحاد عرفی آنها احراز گردد و تا زمانی که احراز صورت نگیرد، تسری حکم بدون دلیل و از باب قیاس است که در فقه امامیه، مردود دانسته شده. بنابراین با وجود تفاوت‌هایی که سوارکاری بر حیوان با سوارکاری بر وسایل جدید دارد، اتحاد بین دو موضوع احراز نمی‌شود و برای اثبات تفاوت، نیازی به استناد به روایت نیست؛ بلکه عرف این تفاوت و عدم اتحاد موضوع را درک می‌کند و روایت مذکور تنها از باب تأیید مدعا مورد استفاده قرار گرفت.

۳. بررسی حکم ثانوی

گفته شد حکم فقهی سوارکاری از دو جهت اولی و ثانوی باید بررسی شود. از جهت اولی، تنها مستند روایات بود که مورد کنکاش قرار گرفت. در این بخش، عناوینی مطرح خواهد شد که جزء ذات سوارکاری بانوان نیست ولی گاهی بر آن عارض می‌شود و می‌تواند حکم آن را تغییر دهد. عمده دلیلی نیز که باعث شده فقیهان معاصر نسبت به سوارکاری بانوان ممنوعیت قائل شوند، همین عناوین ثانوی است (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۶-۴۹۷؛ سیستانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۱). قبل از بررسی این عناوین، ذکر دو نکته لازم است:

نکته اول: عناوین مذکور از جهت کبروی مسلم هستند؛ یعنی اگر موضوع آن محقق شود، ترتب حکم حرمت قطعی است و بحث در مورد تحقق صغروی این عناوین در خصوص سوارکاری

بانوان است.

نکته دوم: یکی از عناوین ثانوی، عدم رعایت حجاب و پوشش لازم است؛ اما به دلیل اینکه معیارهای تحقق این عنوان روشن است و تحقیقات کافی در این زمینه صورت گرفته، به جهت رعایت اختصار، از بیان آن در این نوشته صرف نظر می‌شود.

۱-۳. منافات با عفت و حیا

یکی از عناوینی که ممکن است بر سوارکاری بانوان عارض شود، تنافی داشتن با عفت و حیاست. برای اینکه مشخص شود آیا سوارکاری بانوان منافاتی با این دو عنوان دارد یا خیر، بایستی ابتدا تعریف آن دو ارائه گردد. ماده «ع، ف، ف» در لغت عرب، دارای دو معنای اصلی است:

۱. خودداری از فعل قبیح که مصدر آن عَفَّت یا عَفَّاف است.

۲. کم بودن یک چیز، به همین خاطر به مقدار شیر باقی مانده در پستان حیوان، عَفَّه گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۲).

اما در اصطلاح علم اخلاق، عفت به اطاعت کردن قوه شهوت از عقل گفته می‌شود (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶). به عبارت روشن‌تر، عفت عبارت است از حالتی در نفس که از غلبه شهوات و خواهش‌های نفسانی جلوگیری می‌کند. شهوات در این تعریف اعم از امور جنسی و ... است، اما در اصطلاح خاص آن منحصر در لذات جنسی است. با توجه به این تعریف که مطابق با معنای لغوی اول آن است، زن عقیف به زنی گفته می‌شود که از انجام کارهای زشت، به خصوص اعمال جنسی حرام خودداری می‌کند.

وقتی گفته می‌شود سوارکاری بانوان منافات با عفت دارد، یعنی سوارکاری فعلی ناپسند و قبیح است که زن عقیف از آن پرهیز می‌کند. بنابراین ابتدا باید قبح شرعی ذاتی یا قبح عرفی آن اثبات شود تا منافات با عفت صدق کند. از بررسی حکم اولی سوارکاری، این نتیجه به دست آمد که این عمل قبیح شرعی ندارد و از جهت عرفی نیز در جوامع مختلف، برخوردهای متفاوتی با این عمل می‌شود. به عبارت دیگر، در برخی از جوامع این عمل را

برای بانوان ناپسند تلقی می‌کنند و در برخی دیگر، این عمل عادی، بلکه مطلوب و پسندیده تلقی می‌گردد و قبیحی برای آن متصور نمی‌شوند. در فرض دوم، سوارکاری بانوان مخالف با عفت نخواهد بود. بنابراین نمی‌توان به‌طور مطلق ادعا کرد که این عمل منافی عفت است؛ بلکه باید بین جوامع مختلف قائل به تفصیل شد.

حیا که تقارب معنوی زیادی با عفاف دارد و در برخی روایات، به‌عنوان سبب عفاف ذکر شده (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۶)، مصدر ماده «ح، ی، ی» است و در لغت، به حالتی نفسانی اطلاق گردیده که هنگام مواجهه با زشتی‌ها منجر به ترک آنها می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۵). از جهت اصطلاحی نیز، همین معنا برای حیا با اندکی اختلاف در تعبیر ذکر شده است (همان، ص ۱۱۲). طبق این تعریف، زنِ باحیا به زنی گفته می‌شود که در مواجهه با کارهای زشت، دچار انکسار نفسانی می‌شود و این حالت نفسانی مانع او از ارتکاب فعل قبیح می‌گردد. تطبیق سوارکاری زن بر فعل منافی با حیا همانند تطبیق آن بر عمل منافی با عفت است. به همین دلیل از تکرار آن صرف نظر می‌شود.

۲-۳. جلب کردن توجه نامحرم

یکی از محرماتی که بر زنان اجتناب آن لازم است، انجام کارهایی است که موجب جلب توجه نامحرم می‌شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۸۸). دلیل این امر آیه‌ای از قرآن است که زنان را از کوبیدن پاهایشان بر زمین نهی کرده و علت آن را آشکار شدن زینت‌های آنها دانسته است^۱ (نور، ۳۱). با این توضیح معلوم می‌شود سوارکاری بانوان در مکان‌هایی که موجب جلب توجه نامحرم گردد، حرام است و در اماکنی که چنین حساسیتی وجود نداشته باشد، این عنوان محقق نخواهد شد و سوارکاری از این جهت حرمتی نخواهد داشت.

۳-۳. تحریک جنسی سوارکار

چنان‌که گذشت، برخی روایات علت نهی از سوارکاری بانوان بر زین را تحریک آنها به گناه دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۶) که طبق توضیح ارائه‌شده، این روایت به

۱. وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ.

تحریک جنسی ناشی از اصطکاک بدن زنان به زین اشاره دارد. بر اساس مفاد آیاتی از قرآن که تنها راه مجاز استمتاع جنسی را ازدواج می‌داند و راه‌های غیر آن را تجاوز از حدود الهی تلقی می‌کند^۱ (مؤمنون، ۷؛ معارج، ۳۱)، در صورتی که اسب‌سواری موجب چنین حالتی در زنان شود، حرام خواهد بود. نکته قابل ذکر این است که آیا در دوچرخه‌سواری و موتورسواری نیز چنین حالتی برای شخص سوارکار پدید می‌آید یا خیر؟ با توجه به تفاوت شکلی که زین اسب و نوع حرکت آن نسبت به وسایل نقلیه جدید مذکور دارد، در حالت عادی، چنین مشکلی رخ نمی‌دهد. بنابراین با توجه به اینکه این عنوان تنها در برخی حالات خاص در سوارکاری بر حیوان پدید می‌آید و در دوچرخه و موتور عادتاً رخ نمی‌دهد، از این جهت، اشکالی متوجه دوچرخه‌سواری و موتورسواری نخواهد شد.

۳-۴. ضرر جسمی به سوارکار

برای اثبات حرمت سوارکاری بانوان، ممکن است چنین استدلال شود که در معارف اسلامی همان‌گونه که به سلامتی روح توجه شده، سلامتی بدن نیز از اهمیت زیادی برخوردار است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۵۶)، به‌گونه‌ای که ضرر زدن به بدن حرام دانسته شده است. از آنجا که سوارکاری بانوان اعم از اسب‌سواری و دوچرخه‌سواری موجب آسیب‌هایی به بدن آنها می‌شود، حرام است و باید ترک شود. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به سندروم نورو پاتیک، درد کمر و گردن (Mellion MB, 1991, P.52-70)، مشکلات پوستی، تغییر شکل و آسیب به اندام‌های تناسلی (Baeyens L, 2002, P.138-139; Partin SN, 2014, P.2039-; Battaglia C, 2009, P. 464-468)، اختلال در عملکرد جنسی (Powell B, 1983, P.2457) (2047; Greenberg DR, 2019, P.1381-1389) و بی‌اختیاری ادرار (Alanee S, 2009, P.109-114) اشاره کرد.

اشکال استدلال فوق این است که آنچه در شرع حرام دانسته شده، آسیبی است که موجب

۱. فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ.

مرگ یا قطع عضو یا ضرر جدی دیگری در این سطح شود (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ در حالی که با توجه به تحقیقات علمی ارائه‌شده در این زمینه، آسیب‌های ذکرشده اولاً در این حد خطرناک نیستند و ثانیاً در حالت عادی و در مسافت‌های کوتاه برای سوارکار عارض نمی‌شوند؛ بلکه این مشکلات غالباً برای سوارکاران حرفه‌ای که مسافت‌های بسیار طولانی را می‌پیمایند و به دفعات متعدد از این وسایل استفاده می‌کنند، پدید می‌آید. علاوه بر این، برخی از این مشکلات برای مردان نیز رخ می‌دهد و اختصاصی به زنان ندارد (Balasubramanian, A., 2020, 919-929; Schwarzer U, 2002, 139-143). بنابراین چون ضرر جسمی قابل توجهی بر عمل سوارکاری و دوچرخه‌سواری بانوان مترتب نمی‌شود، بلکه در غالب موارد به سلامتی ایشان کمک می‌کند، از جهت اضرار به نفس حرمتی ندارد.

۴. سوارکاری بانوان از منظر قانون

بحث قانونی سوارکاری بانوان را باید در سه حوزه سوارکاری بر حیوان، دوچرخه‌سواری و موتورسواری ارزیابی کرد. در خصوص اسب‌سواری که مصداق رایج سوارکاری بر حیوان و یکی از ورزش‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران است، باید اشاره کرد همان‌گونه که مردان در این ورزش، مجوز قانونی فعالیت دارند، زنان نیز از جهت قانونی مشکلی برای فعالیت در این زمینه ندارند. آنچه در این مجال باید بررسی شود، نظر قانون در مورد دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان است. از سویی، یکی از اصول دادرسی کیفری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل قانونی بودن مجازات است؛ به این معنا که تا زمانی که فعلی به‌طور روشن و مشخص در قانون به‌عنوان جرم معرفی نشده باشد، نمی‌توان آن را جرم دانست و مجازاتی نیز در پی نخواهد داشت. از سوی دیگر، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گونه منعی از دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان به عمل نیامده است. در نتیجه نمی‌توان دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان را جرم دانست و نسبت به آن مجازات تعیین کرد.

البته این نکته را باید مورد توجه قرار داد که طبق ماده ۱ آیین‌نامه صدور گواهینامه رانندگی

مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۹۰، سوار شدن بر موتور نیازمند گرفتن گواهینامه است و از آنجا که طبق تبصره ذیل ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب مجلس، مرجعی برای صدور گواهینامه برای بانوان مشخص نشده و در نتیجه، گواهینامه برای زنان صادر نمی‌شود، موتورسواری بانوان به دلیل نداشتن گواهینامه، خلاف قانون محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اصل موتورسواری بانوان به دلیل زن بودن منع قانونی ندارد، اما از این جهت که اخذ گواهینامه برای بانوان از جهت قانونی امکان ندارد، اگر زنی موتورسواری کند، مشمول جریمه رانندگی بدون گواهینامه می‌شود؛ همان‌گونه که اگر مردی بدون گواهینامه موتورسواری کند، با جریمه مواجه خواهد شد و از این جهت، تفاوتی بین مرد و زن نیست. با این حال، با توجه به اینکه قانون در زمینه صدور گواهینامه برای زنان سکوت کرده و منعی از آن ندارد، حق دادخواهی برای آنها محفوظ است و می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی، از نیروی انتظامی درخواست صدور گواهینامه نمایند. البته روشن است که این مشکل در خصوص دوچرخه‌سواری وجود ندارد؛ چون دوچرخه‌سواری نیازمند گرفتن گواهینامه نیست.

ممکن است گفته شود هرچند به‌طور خاص، قانونی در منع دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان وجود ندارد، قوانین عامی وجود دارد که مانع انجام این عمل می‌شود. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». با توجه به این ماده با یکی از دو شرط زیر، دوچرخه‌سواری

۱. حرمت شرعی داشته باشد.

۲. با عفت عمومی منافات داشته باشد.

در بررسی فقهی حکم سوارکاری ثابت شد که دوچرخه‌سواری و موتورسواری برای بانوان از جهت اولی حرمتی ندارد و فقط در برخی حالات خاص عناوین ثانویه موجب حرمت آن می‌شود. بنابراین شرط اول فقط در موارد خاص محقق می‌شود که تشخیص آن بر عهده مراجع قضایی ذیصلاح است و نمی‌توان به‌طور مطلق این عمل را حرام دانست. در خصوص شرط دوم، ابتدا باید توضیح مختصری در مورد مفهوم «عفت عمومی» و فرق آن با «نظم عمومی» داده شود تا بتوان درباره تطبیق آن بر مسئله مورد بحث داوری کرد.

در مباحث گذشته، عفت از جهت لغوی و فقهی بررسی شد؛ اما در این بخش، این اصطلاح از دیدگاه حقوقی باید واکاوی گردد. به‌طور کلی، عفت عمومی به هنجارهایی اطلاق می‌شود که از اعتقادات افراد یک جامعه ناشی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مردم آن جامعه به رعایت آن رغبت دارند و عمل منافی عفت به رفتاری گفته می‌شود که با چنین هنجارهایی در تضاد باشد و موجب آسیب به آن می‌شود. از آنجا که جوامع در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، هنجارها و ارزش‌های متفاوتی دارند، نمی‌توان مصادیق یکسانی از رفتارهای هماهنگ یا منافی با عفت عمومی را برای همه جوامع بیان کرد و تعیین مصداق در هر جامعه، طبق ارزش‌های حاکم بر آن صورت می‌گیرد (ر.ک. جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۳).

مسئله دیگری که برای درک بهتر مفهوم عفت عمومی شایسته است در این بخش تبیین گردد، تفاوت آن با مفهوم نظم عمومی است. حقوق‌دانان تعاریف متفاوتی از این مفهوم ارائه کرده‌اند؛ اما عنصر مشترکی که در همه آنها وجود دارد، ترجیح مصالح عمومی جامعه بر مصالح فردی است. قوانینی که در جهت حفظ نظم عمومی وضع می‌شوند، قوانینی هستند که از تضییع مصالح و منافع عموم در مقابل خواست افراد جامعه جلوگیری می‌کنند. بنابراین می‌توان رفتاری را که با مصالح عمومی یک جامعه در تضاد است، عمل منافی با نظم عمومی نامید (سنه‌وری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۴ و ۴۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۲). از این تعریف می‌توان برداشت کرد که التزام به حفظ عفت عمومی ریشه در ارزش‌های اعتقادی

یک جامعه دارد؛ در حالی که التزام به رعایت نظم عمومی ریشه در منافع و مصالح آن دارد. نقطه مشترک بین این دو مفهوم نسبی بودن آنهاست؛ چون منافع و مصالح جوامع نیز همانند هنجارها و ارزش‌های آنها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متغیر است.

با توجه به توضیح ارائه شده، می‌توان گفت که در مورد شرط دوم ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، باید قائل به تفصیل شد؛ به این بیان که در جوامعی که سوارکاری بانوان با هنجارهای جامعه تضاد داشته باشد، این عمل منافی عفت عمومی تلقی می‌شود و در نتیجه، خلاف قانون نیز خواهد بود و در جوامعی که این عمل تضادی با ارزش‌های جامعه نداشته باشد، منافاتی با عفت عمومی ندارد و در نتیجه، منع قانونی شامل آن نمی‌شود. در هر حال، تشخیص اینکه آیا این عمل منافی با عفت عمومی است یا خیر، بر عهده دادگاه‌های ذیصلاح است و نهادهای دیگر صلاحیت قانونی برای ورود به این مسائل را ندارند.

یافته‌های پژوهش

بررسی حکم فقهی سوارکاری بانوان باید در دو عرصه حکم اولی و حکم ثانوی صورت گیرد. عمده دلیلی که در ساحت حکم اولی وجود دارد، روایاتی است که سوار شدن زنان بر سرج (زین اسب، قاطر و الاغ) را مذمت می‌کند. پس از واکاوی سندی و دلالتی روایات، این نتیجه حاصل شد که حکم اولی سوارکاری بانوان کراهت است؛ چون از طرفی، برخی روایات ظهور در حرمت دارد و از طرفی دیگر، برخی روایات صراحت در جواز دارد و جمع عرفی بین این دو دسته از روایات، حمل روایات ظاهر در حرمت بر کراهت است. البته این حکم مختص به سوارکاری بر سرج (زین اسب، قاطر و الاغ) است و به دلیل تفاوت‌هایی که با دوچرخه و موتور دارد، قابل تعمیم به این وسایل نیست؛ بلکه با استناد به اصل برائت، حکم اولی سوار شدن بر این وسایل اباحه بالمعنی الأخص است. از جهت حکم ثانوی، در صورتی که در جامعه‌ای سوارکاری بانوان منافی با حیا و عفت تلقی شود یا موجب جلب نظر نامحرم گردد، این عمل حرام خواهد بود؛ اما در غیر این صورت، دلیلی بر حرمت آن به‌عنوان ثانوی وجود ندارد. از جهت حقوقی نیز، این نتیجه به دست آمد که سوارکاری و

دوچرخه‌سواری و موتورسواری بانوان هیچ منع قانونی ندارد، اما به دلیل صادر نشدن گواهینامه برای بانوان، موتورسواری برای ایشان ممنوع خواهد بود. علاوه بر این، اگر در جامعه‌ای سوارکاری بانوان با هنجارهای جامعه تضاد داشته باشد، این عمل منافعی عفت عمومی است و با استناد به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، جرم تلقی می‌شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۶). *الأمالی*. تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن طیفور، احمد بن ابی‌طاهر (بی‌تا). *بلاغت النساء*. قم: الشریف الرضی، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغه*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق). *کامل الزیارات*. نجف: دار المرتضویه، چاپ اول.
- ایروانی، علی (۱۴۲۲ق). *الأصول فی علم الأصول*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- تبریزی، جواد (۱۳۸۵). *استفتائات*. قم: سرور، چاپ اول.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم.
- جعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش، چاپ هفتم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.

- _____ (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمه فی أصول الأئمه*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، چاپ اول.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الأصول*. قم: مکتبه الداوری، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۱). *لغت نامه دهخدا*. تهران: چاپ سیروس، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- رامین، علی؛ فانی، کامران و سادات، محمدعلی (۱۳۸۹). *دانشنامه دانش گستر*. تهران: مؤسسه دانش گستر روز، چاپ اول.
- روحانی، محمدصادق (۱۳۸۳). *استفتائات*. قم: حدیث دل، چاپ اول.
- زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق). *الفائق فی غریب الحدیث*. بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). *استفتائات*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- سنهوری، عبدالرزاق (بی تا). *نظریه العقد*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- سیستانی، سید علی (بی تا). *توضیح المسائل جامع*. بی جا: بی نا، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغه*. بیروت: عالم الکتب، چاپ اول.
- صافی، لطف الله (۱۳۸۵). *جامع الأحکام*. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافه، چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۶۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: سپهر، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتب، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ هشتم.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. قم: دار الذخائر، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- _____ (۱۴۲۹ق). *الکافی*. قم: دار الحدیث، چاپ اول.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور، چاپ دوم.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات نامن، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *استفتائات*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، چاپ اول.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). *استفتائات*. تهران: سایه، چاپ اول.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. قم: انتشارات اسلامی، چاپ ششم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی، مهدی بن ابی‌ذر (بی‌تا). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- Alane S, Heiner J, Liu N, Monga M. *Horseback riding: impact on sexual dysfunction and lower urinary tract symptoms in men and women*. *Urology*. 2009 Jan;73(1):109-14. doi: 10.1016/j.urology.2008.07.058. Epub 2008 Oct 31. PMID: 18950839.
- Baeyens L, Vermeersch E, Bourgeois P. *Bicyclist's vulva: observational study*. *BMJ*. 2002 Jul 20;325(7356):138-9. PMID: 12130610; PMCID: PMC117232.
- Balasubramanian A, Yu J, Breyer BN, Minkow R, Eisenberg ML. *The Association Between Pelvic Discomfort and Erectile Dysfunction in Adult Male Bicyclists*. *J Sex Med*. 2020 May;17(5):919-929. doi: 10.1016/j.jsxm.2020.01.022. Epub 2020 Mar 7. PMID: 32156585.
- Battaglia C, Nappi RE, Mancini F, Cianciosi A, Persico N, Busacchi P. *Ultrasonographic and Doppler findings of subclinical clitoral microtraumatism in mountain bikers and horseback riders*. *J Sex Med*. 2009 Feb;6(2):464-8. doi: 10.1111/j.1743-6109.2008.01124.x. Epub 2008 Dec 9. PMID: 19138367.
- Greenberg DR, Khandwala YS, Breyer BN, Minkow R, Eisenberg ML. *Genital Pain and Numbness and Female Sexual Dysfunction in Adult Bicyclists*. *J Sex Med*. 2019 Sep;16(9):1381-1389. doi: 10.1016/j.jsxm.2019.06.017. Epub 2019 Aug 8. PMID: 31402178.
- Mellion MB. *Common cycling injuries. Management and prevention*. *Sports Med*. 1991 Jan;11(1):52-70. doi: 10.2165/00007256-199111010-00004. PMID: 2011683.

- Partin SN, Connell KA, Schrader SM, Guess MK. *Les lanternes rouges: the race for information about cycling-related female sexual dysfunction*. J Sex Med. 2014 Aug;11(8):2039-47. doi: 10.1111/jsm.12606. Epub 2014 Jun 25. PMID: 24963841; PMCID: PMC4544705.
- Powell B. Bicyclist's nipples. JAMA. 1983 May 13;249(18):2457. PMID: 6842748.
- Schwarzer U, Sommer F, Klotz T, Cremer C, Engelmann U. *Cycling and penile oxygen pressure: the type of saddle matters*. Eur Urol. 2002 Feb;41(2):139-43. doi: 10.1016/s0302-2838(01)00028-8. PMID: 12074400.

